بیانات معظم له در دیدار مداحان و ذاکران اهل بیت (ع) به مناسبت میلاد حضرت فاطمه ی زهرا (س) - 14 /تیر/ 1386

بسم اللّه الرّحمن الرّحیم

به یکایك برادران عزیز این عید بزرگ و میلاد مسعود را تبریك عرض میکنیم. خیلی هم از همه ی حضار محترم ؛ بخصوص برادران عزیزی که برنامه اجرا کردند ؛ مجری محترم برنامه، یکایك مداحان عزیز، شعرائی که این شعرها را سروده بودند و شاعر عزیزمان، تشکر میکنم ؛ از همه تان یکایك متشکرم. محفل و دل ما را با مناقب دختر پیامبر اعظم و بزرگترین زن تاریخ بشر نورانی کردید.

این خود یك معجزه ی اسلام است ؛ یعنی فاطمه ی زهرا (سلام اللّه علیها) در عمر کوتاه خود به مقامی میرسد که سیده ی نساء عالمین است ؛ یعنی از همه ی زنان بزرگ و قدّیس طول تاریخ برتر است. این چه عاملی است، این چه نیروئی است، این چه قدرت متحول کننده ی عمیق درونی است که از یك انسان در این مدت کوتاه، میتواند یك چنین اقیانوس معرفت و عبودیت و قداست و عروج معنوی بسازد؟ خود این، معجزه ی اسلام است.

یك جنبه ی دیگر، نسل مبارك این بزرگوار است که تطبیق سوره ی کوثر با فاطمه ی زهرا (سلام اللّه علیها) - اگر در آثار حدیثی ما هم نیامده باشد - یك تطبیق مصداقی درست است ؛ این همه برکات بر خاندان پیغمبر، بر یکایك ائمه ی هدی (علیهم السّلام)! عالم پُر است از نغمه های دلنواز فردی و اجتماعی و دنیائی و اخروی که از این حنجره های پاك برخاسته ؛ حسین بن علی، زینب کبری، امام حسن مجتبی، امام صادق، امام سجاد ؛ هر کدام از ائمه. ببینید چه غوغائی است در عالم معرفت، در عالم معنویت، در بزرگراه هدایت از کلمات این بزرگواران و درسهای آنها و معارف آنها! این نسل فاطمه ی زهراست.

خیلی خدا را شکر کنیم - در بعضی از این شعرهائی هم که دوستان خواندند همین معنا بود - نعمت بزرگی است تولّای فاطمه ی زهرا و صدیقه ی کبری (سلام اللّه علیها) برای ما. خدا را شکر که او را شناختیم ؛ خدا را شکر که خودمان را به ذیل عنایت او متوسل کردیم و خدا را شکر که نعمت وجود او را قدر دانستیم، به او توسل جستیم، از او معرفت خواستیم، به او محبت ورزیدیم. اینها نعمتهای بزرگ خداست ؛ اینها را باید حفظ کنیم.

نقش شما مداحان عزیز هم حرف دوم ماست. دین اگر چه که پایه اش عقلانیت و فلسفه و استدلال است ؛ در این هیچ شکی نیست، اما هیچ مبنای عقلانی و فلسفی و حِکمی بدون آبیاری شدن از عاطفه و ایمان قلبی امکان ندارد که رویش پیدا کند و ریشه بدواند و در تاریخ بماند. ادیان، خصوصیتشان همین است ؛ با مکاتب دیگر، با این ایدئولوژی ها، با این فلسفه های گوناگون فرقشان همین است که ایمانها را جلب میکند. ایمان، غیر از علم است ؛ ایمان غیر از استدلال است ؛ ایمان غیر از فلسفه است ؛ ایمان یك امر قلبی است. جایگاه ایمان با جایگاه عاطفه و احساس یکجاست. ایمان یعنی دل سپردن، سر سپردن، دل دادن. بنابراین، دل نقش پیدا میکند ؛ عواطف جایگاه خود

را در طول تاریخ ادیان به این شکل حفظ میکنند.

با اینکه در جنگ فلسفه ها با یکدیگر، هیچ فلسفه ای نیست که بتواند در مقابل فلسفه ی ادیان و فلسفه ی توحید مقاومت کند ؛ بخصوص فلسفه ای مثل فلسفه ی مدون اسلامی، اما مسئله این نیست ؛ خیلیها مبانی و مفاهیم اسلامی را هم بلدند، حقیقتی را هم میدانند، اما به آن حقیقت دل نسپرده اند. شما فکر میکنید حقانیت علی بن ابی طالب را در صدر اسلام، آن کسانی که از خود پیغمبر درباره ی علی بن ابی طالب آن حرفها را شنیده بودند، نمیداستند؟ علم داشتند. ما در اخبار خوانده ایم آنها از دو لب پیغمبر شنیده بودند ؛ علم داشتند ؛ اما آنچه کم بود، ایمان به آن معلوم بود ؛ ایمان به آن چیزی بود که علم به او پیدا شده بود: یعنی دل دادن. چه چیزی جلوی ایمان را میگیرد؟ خیلی چیزها ؛ که حالا این یك باب واسع دیگری است.

نقش هنر، نقش شعر، نقش ادبیات، نقش حضور در میدانهای عملی در پرورش این روح ایمانی، نقشی است که بسیار بسیار کارساز و مؤثر است. شما جای مداح و ذاکر اهل بیت را اینجا ببینید ؛ نقش ایمان آفرین، نقش فرهنگ ساز، نقش مستحکم کننده ی پیوند قلبی بین پیروان و بین آن محبوبان ؛ یك چنین نقشی است. این نقش، بسیار نقش مهمی است.

بنده در طول این سالهائی که این جلسه را داشته ایم - که الان بیست وچند سال است که هر سال، ما این جلسه را با مداحهای محترم داشته ایم ؛ از زمان ریاست جمهوری من ؛ سالهای دهه ی شصت، که هر سال این جلسه بوده - هر سال ما یك کلمه راجع به مسئله ی مدح و مداح و ذاکر و اینها عرض کرده ایم ؛ نمیخواهم اینها را تکرار کنم، میخواهم عرض بکنم برادران مداح اهمیت این کار را درك کنند. وقتی اهمیت معلوم شد - به موازات اهمیت، مسئولیت است - مسئولیت این کار را درك کنند. مسئولیت یعنی چه؟ یعنی از ما سئوال خواهند کرد. در دعای مکارم الاخلاق میخوانید: «و استعملنی بما تسألنی غداً عنه» ؛ فردا ؛ در روز قیامت، از من سئوال خواهی کرد ؛ پروردگارا! حالا کمك کن که آن چیزی را که بناست فردا از من سئوال کنی، من جوابش را امروز در عمل خودم آماده کنم ؛ معنای این فقره ی دعا این است. پس شما مسئولیت دارید. این مسئولیت، یعنی سئوال میکنند. کاری کنیم که عمل ما بتواند پاسخگوی آن سئوال باشد.

وقتی این معلوم شد، آن وقت میرویم سراغ اینکه حالا چطور؟ همه ی حرفهائی که ما زدیم - حرفهائی که افراد پُرمسئولیت، دانا، فهیم در جامعه ی مداحان بر زبان آوردند، جلسه درست کردید، مطالبی گفتید - در پاسخ همین سئوال است که: چه کار بکینم؟ این «چه کار بکنیم» یك کلمه ای است که یك کتاب جواب دارد. اگر سه جمله از این کتاب را بخواهیم عرض بکنیم، یکی اش این است که:

وقتی شعر را میخوانیم، به فکر باشیم که از این شعر ما ایمان مخاطبان ما زیاد شود. پس، هر شعری را نمیخوانیم ؛ هرجور خواندنی را انتخاب نمیکنیم ؛ جوری میخوانیم که لفظ و معنا و آهنگ، مجموعاً اثرگذار باشد. در چه؟ در افزایش ایمان مخاطب. این البته گفتنش آسان است ؛ آدم بالای گود بنشیند و یك دستوری به آن پهلوان وسط گود بدهد. عمل کردنش سخت است. اما شماها میتوایند عمل کنید. شماها صدایتان خوب است، حافظه تان خوب

است، نیرو و نشاطتان خوب است ؛ میتوانید همه ی این کارهائی را که گفتم، انجام بدهید.

به جوانها توصیه میکنم شیوه های پیشکسوتها را بکلی کنار نگذارند ؛ دست نکشند. من با نوآوری موافقم ؛ نوآوری هیچ اشکالی ندارد ؛ اما اگر بخواهید در این نوآوری کمال پیدا کنید، بایستی این نوآوری در امتداد شیوه ی گذشتگان باشد.

«العلی محظورة الّا علی من بنی فوق بناء السّلفی». یك طبقه ساخته اند، شما روی آن طبقه یك طبقه بسازید ؛ دیگری بیاید روی آن طبقه ی شما یك طبقه بسازد ؛ آن وقت بناء میشود مرتفع. و الا یکی ساخت، شما بیائی خراب کنی، یك طبقه بسازی ؛ یکی دیگر بیاید آن را که شما ساختی، خراب کند، باز یك طبقه بسازد، همیشه همان یك طبقه خواهید ماند. محسّنات اساتید، پیشکسوتها و کسانی را که در این کار از شما یك پیراهن بیشتر پاره کرده اند، یاد بگیرید و چیزی بر آن اضافه کنید. شیوه های جدید، این جوری درست بشود، خوب است.

ما در قدیم از زبان موسیقیدانهای معروف شنیده بودیم که میگفتند موسیقی اصیل ایرانی را نوحه خوان و شبیه خوانها حفظ کرده اند ؛ موافق خوان، مخالف خوان، علی اکبرخوان، قاسم خوان. هر کدام یك دستگاهی را به اینها میدادند که باید در آن دستگاه بخوانند. این موجب شد که موسیقی نانوشته ی ایرانی - که نه نُت داشت، نه نوشته داشت و نه چیز دیگری داشت - بتواند برسد به دست کسانی که اینها را با نُت و شیوه های جدید بتوانند ثبت و ضبط کنند. حالا جوان امروز، چه خواننده ی رادیو و تلویزیون - که متأسفانه آنجا از این جهت وضع خوبی هم ندارد - چه خواننده ی جلسه ی مداحی، ناگهان بیاید آهنگهای اروپائی را - آن هم به شکل غلط و نابلد بنا کند خواندن ؛ سبکهائی که فرض کنید حالا فلان خواننده ی غربی یا مقلد عربِ آن غربی یکوقتی خوانده، ما این را از او یاد بگیریم و بنا کنیم خواندن! که قبل از انقلاب هم متأسفانه همین کارها را کردند. موسیقی اصیل ایرانی را که میتوانست نوع حلال هم داشته باشد - البته همان موسیقی اصیل، یك نوعش هم حرام است ؛ فرقی بین ایرانی و غیر ایرانی نیست - همان را هم ضایع کردند. البته بعد از انقلاب بهتر شد ؛ اما حالا مثلاً مداح یا خواننده ی ما بیاید در رادیو و تلویزیون به تقلید - آن هم غلط - آهنگ غربی یا آهنگ مجالس لهو را در مجلس ایمان و در مجلس معنویت تکرار کند، این درست نیست ؛ این غلط است. نوآوری، درست ؛ اما نه این جور. این مربوط به آهنگ است. البته صدای خوب را میتوان با آهنگ بد خراب کرد ؛ صدای متوسط را میتوان با آهنگ خوب آرایش داد. خود آهنگ یك مسئله است.

برویم سراغ شعر، کلام. داستان مفصلی اینجاست. اولاً لفظ شعر، لفظِ خوب باشد ؛ همه شعر خوب را نمیشناسند. هر شعری که یك آدم ناوارد تصور کرد این خوب است، دلیل بر این نیست که آن خوب است. شعر را بایستی آدم شعرشناس تصدیق کند که خوب است. فایده ی شعر خوب چیست؟ فایده اش این است که بدون اینکه من و شما ملتفت شویم، تأثیرگذاری اش در مخاطب بیشتر است ؛ هنر، این است دیگر. یك هنر عالی، ولو مخاطب آن هنر تشخیص ندهد که این عالی است، اما تأثیر او در نفس آن مخاطب، تأثیر عمیقتری خواهد بود از یك هنر سطحیِ مبتذل بازاری ؛ فایده اش این است. لفظ، باید لفظ قوی، خوب، زیبا ؛ مضامین، مضامین جذاب، جالب، تازه، غیرتکراری و مطلب - که عمده این است - آموزنده باشد.

غیر از لفظ و غیر از مضمون سازی لفظی، مقوله ای هست به نام مقوله ی مطلب. یعنی آنچه شما دارید بیان میکنید، باید آموزنده باشد. فرض کنید یك واعظی برود بالای منبر و از اول تا آخر منبر حرفهائی بزند که یك ذره بر معرفت مردم، بر بصیرت مردم درباره ی آن موضوع اضافه نشود. خوب، این وقت خودش و دیگران را تلف کرده. مداح هم همین جور است. شعری شما بخوانید ؛ ولو لفظ هم لفظ خوبی باشد، راجع به حضرت زهرا (سلام اللّه علیها) هم باشد، اما چیزهائی باشد که مستمع هیچ استفاده ی از او نمیتواند بکند ؛ نه معرفتش نسبت به آن بزرگوار بیشتر میشود، نه از مقامات توحیدی او چیزی میفهمد، نه از مجاهدت او چیزی میفهمد، نه از رفتار و سجیه ی آن بزرگوار که درس است - چون معصوم است و هر حرکت او برای بشر درس است ؛ سرمشق است - چیزی میفهمد، اشکال خواهد داشت.

پس کارتان سخت است عزیزان! کار شما بر خلاف اینکه بعضیها خیال میکنند چهار کلمه حفظ کنیم و یك صدای بازی هم داشته باشیم، بس است ؛ نه، کار، خیلی سخت است. کار، هنرمندانه، مؤثر، هدایتگر و جهت بخش باشد.

امروز چقدر مسئله ما داریم ؛ نه فقط مسئله ی امریکا و انرژی هسته ای، که اینها مسائل بسیار مهمی است ؛ بلکه امروز تمام مراکز و قطبهای قدرت فکری و تبلیغات دنیا دارند طراحی میکنند که چطور بتوانند این ریشه ی ماندگار و محکمی را که در این سرزمین جا گرفته و این ایمان اسلامی، این پایبندی به تعهد اسلامی و قرآنی و این دلهای مؤمن را از هم بپاشند. شما اینجا نشسته اید خیال میکنید که همین طور زندگی دارد میچرخد. نه آقا! یك جنگ است ؛ یك جنگ حقیقی است الان بین این جامعه، این نظام، متفکران این نظام، فعالان این نظام در رده های مختلف، از جمله خود شما که مداح مجموعه ی کشور هستید از یك طرف، با یك طرف دیگر ؛ کسانی که میخواهند ریشه ی این ایمان را از این خاك مقدس و از این دلهای پاك دربیاورند ؛ چون فهمیده اند آن نظامی، آن بنائی که بر این اساس شکل گرفته، با منافع سودجویانه و زورگویانه و زیاده خواهانه اینها سازگار نیست ؛ با دست اندازی و سیطره طلبی دنیای استکبار بالاخره کنار نخواهد آمد ؛ این را فهمیده اند. دنبال اینند که فکر توحیدی را، فکر ولایت را، محبت اهل بیت را، محبت به قرآن را، تعصب و غیرت نسبت به مبانی دینی و اعتقاد به مبارزه ی با ظالم را، اعتقاد به قبح و زشتی ظلم پذیری را از دل این مردم با انواع حیله ها بیرون بکشند. انواع و اقسامش را دارند انجام میدهند و آن را بیان هم میکنند.

کنگره ی امریکا گفته فلان قدر میلیون مثلاً برای اشاعه ی دمکراسی در ایران خرج میکنیم! البته اسمش را هم دمکراسی میگذارند! خوب، آزادند هر اسمی که میخواهند بگذارند، بگذارند ؛ حقیقت معلوم است چیست. آن چیزی که آنها میخواهند، بر هم زدن پایه ی مستحکم فکری است که بر این مردم، بر این دلها، بر این روحها کاملاً تسلط دارد و این جهت صراط مستقیم، آن را هدایت میکند. هدفشان این است، غرضشان این است.

این پولهائی که میگویند، میخواهند صرف این کار بشود. این پولها صرف بمب و گلوله و اینها خیلی نمیشود ؛ عمده صرف همین کارهای تبلیغاتی، همین کارهای فرهنگی با شکلهای مختلف میشود. البته از این طرف هم مقاومت و بلکه هجوم میشود. بنابراین یك جنگ است. در این جنگ طبقه ای که با ایمان مردم، با دل مردم، با معارف مردم، با نام مبارك ائمه (علیهم السّلام) و اهل بیت سر و کار دارد، وظیفه ی سنگینی دارد. برادران عزیز! این وظیفه را درست بشناسند ؛ درست از آن استفاده کنند.

الحمدللّه چیزهای خوبی انسان از افراد میشنود ؛ البته گوشه کنار حرفهائی هم هست. یکی از چیزهائی که من بخصوص میخواهم تکیه کنم، مسئله ی «انسجام اسلامی» است که ما گفتیم. انسجام اسلامی یعنی عصبیتهای بین المذاهبی مسلمانها نباید تحریك شود. شما نباید کاری کنید که عصبیت آن مسلمان غیرشیعه علیه شما تحریك شود ؛ او هم متقابلاً نباید کاری کند که غیرت و عصبیت شما را علیه خودش تحریك کند. آنها همین را میخواهند. الان شما ببینید دو تا گروه فلسطینی در فلسطین دارند با هم میجنگند! برای اسرائیل چه از این بهتر! به جای اینکه تفنگها به طرف آنها متوجه شود، علیه همدیگر دارند میجنگند! خوب، این خیلی چیز خوبی برای اسرائیل است. چقدر خرج کند، می ارزد که یك چنین وضعی پیش بیاید. فرض بفرمائید در لبنان هم یك گروهی پیدا میشوند و بنا میکنند با یك گروه دیگری مبارزه کردن و جنگیدن. چه نعمتی بزرگتر از این برای اسرائیل و امریکا! این بهتر است یا اینکه یك گروهی مثل حزب اللّه بیاید جلو، همه هم دنبالش - بعضی از روی دل و ایمان، بعضی هم از روی ترس از افکار عمومی - و اسرائیل را شکست بدهند؟ معلوم است که وضعیت اختلاف برای آنها بهتر است. در دنیای اسلام، قضیه همین است. آیا مسلمانهای مصر و اردن و عراق و پاکستان و هند و ترکیه و جاهای دیگر، اگر به خیابانها بیایند و به نفع جمهوری اسلامی شعار بدهند، برای امریکا بهتر است یا کاری کند که اگر در یك مسئله ای، ایران اسلامی صدائی بلند کرد، همه ی این ملتها خاموش بشوند ؛ بعضیها اظهار مخالفت هم بکنند؟ پیداست دنبال دومی اند. چه جوری میشود؟ چطور ممکن است این کار؟ خیلی آسان است. کاری کنند که عصبیتهای شیعه و سنی را زنده کنند. به آنها تفهیم کنند اینها شیعه اند ؛ اینها صحابه را سب میکنند ؛ اینها مقدسین شما را چنین و چنان میکنند. جدائی بیندازند ؛ آنها این را میخواهند. منادی وحدت شیعه و سنی، از اوّلی که این فکرها پیدا شده، این چیزها مورد نظرش بوده است. یك عده ای چرا نمیفهمند؟ امام بزرگوار ما که منادی اتحاد بین مسلمین بود، از همه ی اینهائی که مدعی اند، ولایتش و اعتقادش و ارادتش و عشقش به ائمه (علیهم السّلام) بیشتر بود. او بهتر میفهمید ولایت را یا فلان آدم عامی که حالا به اسم ولایت کارهای خلاف میکند، حرفهای بی ربط میزند در مجالس عام و خاص؟ وحدت را حفظ کنید.

اگر دیدید در جامعه بین شما کسانی هستند که عکس این رفتار میکنند، آنها را طردشان کنید ؛ مخالفت خودتان را به آنها ابراز و اعلام کنید ؛ اینها ضرر میزنند ؛ ضربه میزنند. ضربه ای به اسلام میزنند، ضربه ای به تشیع میزنند، ضربه ای به جامعه ی اسلامی میزنند. این از جمله مسائل بسیار مهم است.

امروز وحدت اسلامی به نفع نظام اسلامی است ؛ به نفع جمهوری اسلامی است. علیه این جهتگیری حرکت کردن، به نفع امریکاست ؛ به نفع صهیونیستهاست ؛ به نفع همان گردن کلفتهائی است که در دنیای اسلام جیبهایشان را از دلارهای نفتی پُر کردند و دلشان نمیخواهد که عنصری مثل جمهوری اسلامی، مثل ملت ایران اصلاً وجود داشته باشد. به هر حال، از خدای متعال میخواهیم همه ی ما را هدایت کند.

پروردگارا! این دلهای پاك، این دلهای روشن، این زبانهای مادح و ذاکر را مشمول تفضلات و لطف خودت قرار بده. پروردگارا! از طرف همه ی ما، از طرف شهیدان ما، از طرف گذشتگان ما، از طرف امام بزرگوار ما، امروز سلام و درود بی پایان به روح مطهر فاطمه ی زهرا (سلام اللّه علیها) نثار و ابلاغ کن. پروردگارا! ما را مرضی آن ذات مقدس و آن وجود مقدس قرار بده ؛ ما را پیرو آن بزرگواران قرار بده. پروردگارا! ملت ما را روز به روز سربلندتر بفرما ؛ قلب مقدس

ولی عصر را از ما راضی و خشنود کن.

والسّلام علیکم و رحمةاللّه و برکاته